

مرکز آموزش مجتمع فنی مازندران

دوره آموزشی:

امر به معروف و نهی از منکر

مجری:

مرکز آموزش مجتمع فنی مازندران

نشانی: بابابل - ح-دفاصل بین کسار کسر و کشوری - سرداران ۱۰ - پدلاک ۱۳ تلفن: ۱-۳۲۲۵۱۸۰۰

ساری - خیابان معلم - کوچه مدیریت - جنب ساختمان مدیریت و برنامه ریزی تلفن: ۱۷-۳۳۲۵۳۳۱۶

فهرست مطالب

- مقدمه
- جایگاه امر به معروف و نهی از منکر
- معنای امر به معروف و نهی از منکر
- معروفها و منکرها
- مراحل امر به معروف و نهی از منکر
- شرایط وجوب امر به معروف
- ویژگیهای آمران به معروف و ناهیان از منکر
- روشها و شیوهها در امر به معروف و نهی از منکر
- آمران و ناهیان در قرآن
- آمران به منکر، ناهیان از معروف!!

مقدمه:

امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌های الهی است که هدف بزرگ آن رشد و تعالی انسانهاست. این فریضه مهم نقش تاثیرگذاری در شکلگیری رفتار دینی در بین مسلمانان داشته و به عنوان عاملی بازدارنده و تعالی بخش، مسیر درستی در جهت دستیابی به کمال و شکوفایی معنوی است. اما این فریضه مهم که آیات متعدد قرآن مجید بر اجرایی آن به صراحت تاکید دارد و در سیره و سلوک نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز به طرز آشکاری مشهود است، آنچنان که باید در جامعه دینی ما بروز و تجلی نیافته و لزوم آموزش آن در عصر معاصر که تهاجم فرهنگی به دلیل ارتباطات گسترده و گشادگی مرزهای فرهنگی، آشکارا ارزشها و هنجارهای دینی ما را نشانه رفته است، بیش از پیش احساس میشود. همانطور که برپایی نماز نشانه برقراری **رابطه تنگاتنگ** بین خدا و بنده است، دادن زکات، نشان و نمادی از ایجاد رابطه سالم اقتصادی در جامعه و پر کردن شکافها و فاصلههای عمیق میباشد، **امر به معروف و نهی از منکر** نیز عاملی برای حفظ، گسترش و تقویت **ارزشهای الهی** و انسانی در جامعه اسلامی و اصلاح نقاط آسیبپذیر فرد و مسئولان و جامعه، شمرده میشود و از جمله عواملی است که بیشترین تاثیرگذاری را در **سلامت و سعادت و طهارت جامعه اسلامی** دارد.

روشن است که **لازمه** پرداختن به امر به معروف و نهی از منکر، **شناخت** آن است، حرکت بدون شناخت در هر موضوعی، راه رفتن در تاریکی است، لذا این جزوه با هدف شناساندن امر به معروف و نهی از منکر و موضوعات پیرامونی آن تدوین شده است و در اختیار خوانندگان قرار گرفته است لیکن برای آگاهی کامل از احکام این فریضه الهی میتوانید به کتابهای فقهی و توضیح المسائل و استفتائات فقهای عظام نیز مراجعه نمایید.

«جایگاه امر به معروف و نهی از منکر»

امر به معروف و نهی از منکر، رمز پایداری و برپایی دستورات الهی و شور و نشاط جامعه اسلامی است. با امر به معروف و نهی از منکر بی تفاوتی از میان مردم مسلمان برداشته میشود و همه افراد در برابر یکدیگر مسئول شناخته میشوند. در قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۰۴ آمده است: «باید گروهی از شما باشند که (دیگران را) به خیر دعوت کنند و به معروف امر کرده و از منکر نهی نمایند و آنان هستند که رستگارانند.»

پیام رسای این آیه آن است که آنان که امر به معروف و نهی از منکر میکنند به **فلاح و رستگاری** میرسند، زیرا در راه فلاح و رستگاری جامعه خود حرکت میکنند.

روزی پیامبر گرامی اسلام (ص) برای ارشاد و هدایت مردم بالای منبر رفته بودند، مردی از آن حضرت پرسید: ای رسول خدا بهترین مردم کیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: «آن که بیشتر مردم را به معروف وادار کند و از منکر بازدارد و تقوای بیشتری داشته باشد، بهترین مردم است.» (۱)

بنابر این، امر به معروف از جایگاه مهم و کلیدی در اسلام بهره‌مند است به گونهای که خیر و صلاح و فلاح جامعه اسلامی به این اصل حیات بخش وابسته است.

معنای امر به معروف و نهی از منکر

بخشی از دین اسلام را اصول اعتقادی و بخشی از آن را فروع عملی تشکیل میدهد. اولی در حوزه فکر و اندیشه و دومی در حوزه عمل و رفتار انسان مسلمان قرار دارد. امر به معروف و نهی از منکر، دو فرع از فروع عملی و از واجبه به شمار می‌آید. رفتار و گفتار خوب و پسندیده معروف گفته میشود و وادار کردن دیگران به رفتار و گفتار خوب را امر به معروف مینامند، همچنین رفتار و گفتار زشت و ناپسند منکر و به بازداشتن دیگران از چنین رفتار و گفتاری نهی از منکر میگویند.

• مسلمانها باید یکدیگر را به معروف امر کنند و از منکر نهی نمایند، زیرا:

۱- با توجه به اینکه انسانها دارای زندگی اجتماعی هستند، برای اینکه زندگانی اجتماعی ثبات و دوام داشته باشد و در جامعه هرج و مرج و بی قانونی پدید نیاید و امنیت و آرامش مردم تهدید نشود، مردم با امر به معروف و نهی از منکر میتوانند در حاکمیت قانون نقش موثری ایفا کنند.

۲- با امر به معروف و نهی از منکر، زیباییها و خوبیها ترویج میشود.

۳- گناه هم چون ویروس و میکروب خطرناکی است که نه تنها فرد گنهکار را به تباهی و نابودی میکشاند، بلکه به دیگران سرایت کرده و جامعه را به فساد و گناه آلوده ساخته و آنان را به بی تفاوتی و بی غیرتی میکشاند لذا امر به معروف و نهی از منکر در حفظ و سلامت فرد و جامعه بیشترین تأثیر را دارد.

«معروفها و منکرها»

میتوان گفت از نگاه فقهی، معروفها و منکرها، همان بایدها و نبایدها هستند. دانشمندان اسلامی و عالمان دینی، احکام تکلیفی را به چهار گروه، تقسیم میکنند: وجوب، حرمت، استحباب، کراهت.

۱- وجوب: حکم وجوب به چیزهایی تعلق میگیرد که اصطلاحاً به آن واجب میگویند، واجب؛ عملی است که الزاماً باید انجام شود و در صورتی که مکلف آن را ترک کند، معصیت و نافرمانی خداوند متعال را مرتکب شده است مانند: نماز، روزه، امانت داری و...

۲- حرمت: حکم حرمت به اموری تعلق میگیرد که به آن حرام میگویند و مکلف الزماً باید آنها را ترک کند و انجام ندهد و در صورتی که آنها را انجام دهد، از دستورات خداوند سرپیچی کرده است مانند: دروغ، غیبت، تهمت، شراب خوری و...

۳- کراهت: حکم کراهت به کاری تعلق میگیرد که به آن مکروه میگویند، مکروه عملی است که انجام ندادن آن بهتر است اما الزامی نیست و کسی که آن را انجام ندهد از پاداش الهی برخوردار خواهد بود مانند: نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن، بوییدن گیاهان خوشبو برای شخص روزه‌دار و...

۴- استحباب: حکم استحباب به کاری تعلق میگیرد که به آن مستحب میگویند، مستحب عملی است که انجام دادن آن خوب است اما الزامی نیست و انجام دهنده آن از ثواب و پاداش آن بهره‌مند میگردد. مانند: شستن دستها پیش از غذا خوردن و بعد از آن، مسواک زدن، نمازهای مستحبی و...

بنابر این، با توجه به توضیحات ذکر شده، میتوان گفت: معروف (کارهای خوب و پسندیده) شامل واجبه‌ها و مستحبها میشود و منکر اگر به معنای کار زشت و گناه باشد، فقط شامل حرامها خواهد شد و اگر به معنای کار ناپسند) باشد شامل هم حرامها و هم مکروهها خواهد بود بنابر این اگر کاری معروف واجب باشد، امر به آن هم واجب خواهد بود و اگر معروف مستحب باشد، امر به آن هم مستحب میباشد و در مورد منکر نیز این چنین است، نتیجه آن که امر به معروف و نهی از منکر، به امر به معروف و نهی از منکر واجب و امر به معروف و نهی از منکر مستحب تقسیم میشود. (۲)

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر دارای سه مرحله است: مرحله قلبی، مرحله زبانی، مرحله عملی

۱- **مرحله قلبی:** در این مرحله انسان مومن با دیدن این که کار خوبی توسط دیگران انجام میشود، سرور و شادمانی از چهره او نمایان میگردد و در دل خود خوشحال میشود و در مورد کارهای زشت نیز بالعکس اندوهگین میشود. امیر مومنان امام علی(ع) میفرمایند: «رسول خدا (ص) به ما دستور داده است که با اهل معصیت با چهره‌های گرفته برخورد کنیم.» (۳)

۲- **مرحله زبانی:** در این مرحله فرد مسلمان با گفتن جملهای مخاطب خود را به کار خوبی تشویق و یا از کاری نادرست باز میدارد.

۳- **مرحله عملی:** در این مرحله، با عمل فردی را به کار خوب وادار یا از کار زشت باز میدارند. منظور این است که اگر با تذکر زبانی، مقصود حاصل نشد با اعمال قدرت او را به کاری یا ترک آن، وادار میکنند مانند: اگر کارفرما از دادن حقوق کارگر خودداری ورزد و امر به معروف زبانی موثر نیستند، دولت میتواند کارفرما را به پرداخت حقوق کارگر ملزم سازد.

نکته ها:

- ۱- مراحل سه گانه امر به معروف و نهی از منکر، به ترتیبی که گفته شد، باید رعایت شود، حتی در هر مرحله، آن را میتوان درجهبندی کرد، اگر با درجه پایینتر هدف محقق میشود نباید از درجات بالاتر استفاده کرد.
- ۲- مرحله قلبی و زبانی **وظیفه همگان** است، اما برخورد عملی پر عهده دولت اسلامی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی خامنهای فرموده‌اند: «در جامعه اسلامی تکلیف عامه مردم امر به معروف و نهی از منکر بالسان (زبان) است اما اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر به عهده مسئولین است.» (۴)
- ۳- برخورد عملی و الزام آور در خانه، حق پدر است. او میتواند جلوی کارهای ناشایست فرزندان خود را بگیرد لیکن در انجام مستحبهها و ترک مکروهها الزامی وجود ندارد.
- ۴- **اهمیت برخی از موضوعات** به قدری روشن است که جامعه اسلامی باید واکنش مناسب نشان دهد و نمی-توان منتظر مأموران دولتی بماند مانند این که فردی بخواهد کسی را به قتل برساند و اطرافیان با زبان هر چند او را از این کار نهی میکنند گوش نمیکند در این جا **وظیفه مردم** است که در صورت امکان مانع از آدم کشی آن فرد بشوند.

۵- کسانی که الگوی دیگران قرار میگیرند باید با رفتار و گفتار درست خود، مشوق عملی دیگران باشند مانند: معلمان، روحانیون، مسئولان، نخبگان عملی و...

شرایط وجوب امر به معروف

در چه صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب است؟

عالمان و دانشمندان اسلامی، چهار شرط را آوردهاند که اگر همه این شرطهای چهارگانه وجود داشت، امر به معروف و نهی از منکر واجب میشود، در غیر این صورت حتی با نبودن یکی از این چهار شرط واجب نخواهد بود. آن چهار شرط عبارتاند از:

- ۱- **علم و آگاهی به معروف و منکر:** فردی که امر به معروف و نهی از منکر میکند باید معروفها (واجبها و مستحبها) و منکرها (حرامها و مکروهها) و نیز شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر را بشناسد تا در امر و نهی دچار اشتباه و یا گناه نگردد.
 - ۲- **احتمال تاثیر:** شخص آمر به معروف و ناهی از منکر، در صورتی که بداند یا احتمال بدهد که امر و نهی او در مخاطب تاثیرگذار خواهد بود باید او را امر به معروف و یا نهی از منکر کند لیکن رهبر معظم انقلاب بر این باورند که اگر امر به معروف و نهی از منکر فریضهای همگانی و فراگیر گردد، حتماً تاثیرگذار خواهد بود. ایشان فرمودهاند: «بعضی گفتهاند که باید احتمال تاثیر وجود داشته باشد، من میگویم احتمال تاثیر همه جا قطعی است، مگر در نزد حکومتهای قلدر، قدرتمند و سلاطین. آنها ایند که البته حرف حساب به گوششان فرو نمیروند و اثر نمیکند، اما برای مردم، حرف اثر دارد.» (۵)
 - ۳- **استمرار گناه:** در صورتی که فردی در حال انجام گناهی است که از نظر زمانی تداوم مییابد و یا این که گناهی را انجام داده است ولی بنا دارد برای بار بعدی نیز آن را تکرار کند، باید او را از این عمل نهی کرد.
 - ۴- **امر و نهی، مشکلساز نباشد:** اگر فردی که امر و نهی میکند، بداند که از سوی مخاطب، پیامدهای خطرناکی برای او پدید خواهد آمد و ضرری بر جان و مال و یا آسیبی بر آبروی او وارد خواهد شد، امر و نهی بر او واجب نیست و هم چنین است اگر این خطر و ضرر برای بستگان و دیگر مومنین پیش آید.
- نکته:** ضررهای پیش پا افتاده و ناچیز مقصود نیست.

مسأله: بر مکلف یادگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر (و این که در کجا واجب است و در کجا واجب نیست و در چه موردی جایز است یا جایز نیست) واجب است تا در امر و نهی خود مرتکب منکر نشود. (۶)

ویژگیهای آمران به معروف و ناهیان از منکر

فردی که میخواهد امر به معروف (آمر) یا نهی از منکر نماید (ناهی) در صورتی موفق خواهد بود که ویژگیهای زیر را داشته باشد و منظور آن است که وجود این خصلتها در آمر و ناهی، میتواند نقش موثری در دلنشین شدن کلام و سخن او در روح و روان مخاطب داشته باشد، البته این سخن به این معنا نیست که اگر این خصوصیات را نداشت امر به معروف و نهی از منکر واجب نخواهد بود.

۱- شناخت: آمر و ناهی باید نسبت به معروف و منکر و مسایل پیرامونی آن از شناخت کافی بهره‌مند باشد.

حوزه شناخت وی را میتوان در این زمینهها اشاره نمود: شناخت نسبت به معروفها و منکرها، نسبت به احکام امر به معروف و نهی از منکر، در باره عملی که مخاطب او انجام میدهد، نسبت به چگونگی برخورد و شیوه ارتباطگیری با مردم، آگاهی لازم در باره شرایط زمانی، مکانی و روحی مخاطبان خود و مردم شناسی.

۲- اخلاص: هر چند در امر به معروف و نهی از منکر، قصد تقرب به خداوند و اخلاص معتبر نیست اما اگر آمر و ناهی، امر و نهی را به قصد خشنودی و رضایت پروردگار و اصلاح فرد انجام دهد به عمل رنگ عبادت داده است.

۳- پابندی به ارزشها: آمر به معروف و ناهی از منکر، خود باید به معروف عمل کند و از منکرها پرهیز کند تا سخن او در دلها موثر افتد و جزء کسانی نباشد که قرآن کریم فرموده است: «آیا مردم را به نیکی امر می - کنید و خود را «فراموش» مینمائید؟! (۷)

۴- مهربانی: آمر و ناهی در امر و نهی خود از روی دلسوزی و مهربانی با مخاطب خود به گفت و گو پردازد نه از موضع کبر و غرور یا برخورد خشنوتآمیز. خداوند متعال هنگامی که به موسی و هارون مأموریت میدهد تا نزد فرعون بروند و او را به توحید فرا خوانند فرموده است: «با او به نرمی (و از سرمهربانی) سخن بگوئید.» (۸)

۵- صبوری و بردباری: آمر و ناهی، ممکن است از سوی مخاطبین خود، گاهی با نامهربانی، استهزاء، تمسخر و اهانت روبرو شود لیکن نباید از این پیشامدها هراسی به خود راه دهد یا در ادامه خود دچار تردید گردد بلکه با حلم و بردباری، این فریضه بزرگ الهی را چون پیامبران و پیشوایان دینی، جامه عمل بپوشاند.

۶- گذشت و برخورد کریمانه: آمر و ناهی اگر با استهزاء و اهانت از سوی دیگران مواجه شود با بزرگواری برخورد نماید و خصلت عفو و گذشت را در خود به کمال رساند. قرآن کریم، ویژگیهای پرهیزکاران را چنین ترسیم میکند: «(پرهیزکاران) خشم خود را فرو میبرند و از مردم (در برابر کارهای ناشایست آنان)

گذشت میکنند.» (۹) از این گذشته، اگر قرار شود پاسخ بدی دیگران را، با بدی بدهیم، پس فرق ما با آنان در چیست؟ به قول مولانا: گر فراق بنده از بد بندگی است چون تو با بد، بد کنی، پس فرق چیست؟!

۷- پرهیز از خود پسندی: حضرت امام خمینی (ره) در این باره سخنی زیبا دارند:

«سزاوار است که امر به معروف و ناهی از منکر... خویشان را منزله از گناه و عیب نبیند و خود را برتر از کسی که گناهی مرتکب شده است، نپندارد، زیرا مرتکب گناه، هر چند که گناه کبیرهای را انجام داده باشد، ممکن است دارای صفات و ویژگیهایی باشد که مورد رضایت خداوندی است و خداوند به آن جهت او را دوست داشته باشد، هر چند که به خاطر گناهانش، مورد بغض و خشم خداوند است.» (۱۰)

«روشها و شیوهها در امر به معروف و نهی از منکر»

برای آن که مخاطب معرفی را که کنار گذاشته انجام دهد و یا اگر منکری را مرتکب میشود، رها کند، روش - های گوناگونی برای رسیدن به این هدف وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- شیوه گفتاری: در این شیوه، امر و ناهی با مخاطب خود از راه گفت و گو ارتباط برقرار میسازد، در این شیوه نکتههای زیر لازم است که رعایت گردد:

الف - استفاده از گفتار نرم: امر و ناهی، برای تأثیرگذاری در مخاطب خود، از کلمات و سخنانی که از آن عطر دوستی به مشام میرسد، استفاده کند مثلاً بگوید: برادر عزیز و بزرگوار. امام علی (ع) در این راستا، گفتار ملایم را سنت خوبان دانسته و فرمودهاند: «سنت (و راه و روش) خوبان و برگزیدگان از نرم و آشکار کردن سلام است.» (۱۱)

ب - پندآمیز باشد: گفتار پندآمیز در جان و روح، ریشه دوانده و ماندگار میشود، زیرا فطرت انسانها، پذیرای آن است.

ج - مخاطب را از خود بداند: امر و ناهی، به گونههای سخن بگوید که مخاطب احساس کند او را از خود می - داند و خیر و صلاح او را میخواهد. آنچه را برای خود نمیپسندد برای او نیز نمیپسندد، در اینصورت، احساس تقابل و جدایی در او پدید نمیآید، بلکه احساس یگانگی و همدلی ایجاد میشود.

۲- شیوه نوشتاری: گاهی امر و ناهی، به دلایلی شرایط را برای امر به معروف و نهی از منکر زبانی و گفتاری، مناسب نمیبیند. اما یادآوری کتبی و نوشتاری را موثر تشخیص میدهد و از این شیوه بهره میگیرد. روشن است که در یادداشت کتبی نیز، نرم بودن جملات، پندآمیز بودن، حفظ کرامت و شخصیت مخاطب باید مراعات گردد.

- ۳- شیوه عملی: منظور این است که گاهی آمران و ناهیان با پایبندی خود به ارزشهای دینی و احکام الهی بهترین امر به معروف و نهی از منکر را در رفتار خود نشان میدهند به ویژه اگر از کسانی باشند که نقش الگو برای بخشهایی از جامعه را داشته باشند. استاد شهید، آیت الله مطهری نیز اشاره زیبایی دارند: «شما اگر بخواهید، به شکل غیر مستقیم، امر به معروف بکنید، یکی از راههای آن، این است که خودتان صالح و با تقوا باشید، خودتان اهل عمل و تقوا باشید، وقتی خودتان این طور بودید، مجسمهای خواهید بود از امر به معروف و نهی از منکر، هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمیدهد.» (۱۲)
- * نکته: از آنچه بیان شد، نباید اینگونه برداشت شود، که اگر کسی خود معروفی را ترک کرد یا منکری را انجام داد، حق ندارد، امر به معروف و ناهی از منکر باشد، بلکه اگر شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر فراهم باشد، بر او نیز واجب است که امر به معروف و نهی از منکر کند.
- ۴- شیوه «مستقیم و غیرمستقیم»: در جاهایی، امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی اثر میبخشد که آمر و ناهی مستقیماً با مخاطب خود، ارتباط برقرار سازد و با او به گفت و گو بنشیند، اما گاهی شرایط زمانی، مکانی یا اشخاص مورد خطاب به گونهای است که نمیتوان به شکل مستقیم، امر و نهی کرد و شاید هم اثر منفی داشته باشد در این موارد از شیوه غیر مستقیم، استفاده میشود. به طور نمونه حضرت امام خمینی (ره) در مسایل سیاسی، به ویژه در مسایل داخلی و خطاب به گروهها و جناحهای مختلف و نیز برای تصحیح یک فکر و اندیشه، که تبدیل به یک جریان میشد، از این روش بهره میگرفتند. (۱۳)
- ۵- شیوه «فردی» و «جمعی»: گاهی آمر و ناهی با ارتباط فردی خود با مخاطب و تذکر زبانی به او، میتواند تاثیرگذار باشد ولی گاه به تنهایی، تاثیرگذار نیست، اما اگر گروهی، سه یا چهارنفره یا بیشتر، با مخاطب گفت و گو کنند، موثر میافتد. در این صورت لازم است به شکل جمعی، به امر به معروف و نهی از منکر اقدام نمایند. (۱۴)
- ۶- شیوه تدریج: آمر و ناهی، در برخی موارد و در باره بعضی از اشخاص به شرایط ویژه‌ای برخورد میکند و تشخیص میدهد که در این مورد خاص باید فراخوان تدریجی به معروف داشته باشد یا از منکر نهی کند زیرا در غیر این صورت یا تاثیر مثبتی در مخاطب پدید نمیآید و یا اثر منفی بر جای خواهد گذاشت.
- ۷- شیوه تکرار: آمر و ناهی، در مواردی ممکن است با یک بار تذکر و یادآوری به مخاطب خود، نتواند او را به انجام معروف یا ترک منکر وادار سازد، اما میداند که اگر امر به معروف یا نهی از منکر را تکرار کند، در مخاطب تاثیرگذار خواهد بود، باید از شیوه تکرار بهره گیرد. (۱۵)

۸- شیوه تداوم: تداوم و استمرار از دیگر شیوه‌هایی است که امر به معروف و نهی از منکر، در مواردی از آن استفاده میکند، منظور از تداوم این است که اگر امر و نهی بدانند با یک مرتبه و یا حتی چند مرتبه (تکرار) تأثیری در مخاطب پدید نمی‌آید، اما اگر به شکل مستمر و پیوسته او را به معروف فرا خواند و از منکر باز دارد، مؤثر خواهد بود، لازم است این شیوه را به کار گیرد تا به هدف برسد.

۹- شیوه ستایش: در برخی موارد و نسبت به بعضی از افراد، امر یا نهی تشخیص می‌دهد که اگر از خوبیهای مخاطب خود، مدح و ستایش کند، او در انجام معروف یا ترک منکر، عزم و اراده بیشتری از خود نشان می‌دهد و به اصلاح رفتار ناشایست خود می‌پردازد. مثلاً به کسی که اهل مروت و جوانمردی است، گفته شود تو که آدم جوانمردی هستی و میدانی که خداوند جوانمردان را دوست دارد، چرا به این انسان مظلوم و ستم‌دیده، کمک نمی‌کنی؟ یا این که چرا دستت را روی آدم ضعیفی، بلند می‌کنی؟

* نکته‌ها:

۱- در مدح و ستایش افراد، باید توجه شود که بیش از اندازه لازم ستایش نشود زیرا آثار سوئی ممکن است در پی داشته باشد.

۲- چون تمجید و ستایش از ویژگیهای خوب افراد، به نوعی با تشویق افراد از نظر معنا و تأثیر همانندی و مشابهت دارد، از آوردن عنوان تشویق به شکل جداگانه، خودداری گردید.

۱۰- شیوه «نکوهش»: در پارهای موارد و افراد، امر یا نهی، تشخیص می‌دهد که اگر به نکوهش و ملامت فرد، نسبت به ترک معروف یا انجام منکر بپردازد، موثر خواهد بود. مثلاً به کسی که نماز نمی‌خواند بگوید؛ تو که این همه ادعا داری، که آدم پاک و پاکیزه‌ای هستی، چرا نماز نمی‌خوانی؟ تو که می‌گویی انسان باید دلش پاک باشد، چرا با خدا نیایش نمی‌کنی؟

* نکته‌ها:

۱- قرآن کریم نیز در آیات متعددی به سرزنش و ملامت برخی انسانهای گریزان از حق پرداخته و با تعبیرهای متفاوت و متنوعی از آنان یاد کرده است: مرگ بر این انسان، چقدر کافر و ناسپاس است (۱۶) چرا آنها از این تذکر، روی گردانند؟! به خران رمندهای مانند، که از شیرینی گریزان شده‌اند! (۱۷)

۲- سرزنش و ملامت دیگران، از مصادیق تنبیه (و مرحله‌های از آن) به شمار می‌رود (از این رو، از آوردن عنوان تنبیه، به شکل جداگانه و مستقل، خودداری شده است).

۳- سرزنش و نکوهش را نباید با بدزبانی و دشنام دادن اشتباه کرد، زیرا دو مقوله جداگانهاست.

۴- در نکوهش افراد میتوان از راهکارهای مختلفی همچون: تحریک عواطف و احساسات مخاطب، تحریک غیرت دینی یا غیرت انسانی و یا ایجاد انگیزه رقابت با دیگران بهره گرفت.

۱۱- شیوه کنترل:

یکی دیگر از راههای تحقق معروف و انجام آن و ترک منکر، از سوی فرد یا افراد، شیوه اعمال کنترل و مراقبت بر رفتار مخاطب است، به گونهای که خود او بداند، که زیر نظر قرار دارد. این شیوه در حوزههای مختلف مانند، تعلیم و تربیت فرزندان و دانشآموزان و نیز کنترل افراد در جامعه و یا کارکنان در محیط کار (برای ارتقاء و افزایش کارایی و کاهش تخلفات) و... کاربرد دارد.

جامعه شناسان در بحث رفتار کج روانه و انحرافآمیز افراد و نوع برخورد با آن، دیدگاهها و تئوریهای مختلفی ارائه کردهاند که از جمله نظارت و کنترل اجتماعی است. همچنین آنها برای اجرایی کردن نظارت و کنترل اجتماعی، مکانیسمهای گوناگونی را مورد بحث و دقت نظر قرار دادهاند که عبارتند از:

الف - نظارت های اجتماعی درونی:

یعنی درون ذهنی کردن (و ملکه ساختن) هنجارها، انسانها در نتیجه یک فراگرد موفق اجتماعی شدن، هنجارهای یک فرهنگ را ملکه ذهنشان میسازند و به خودی خود از هنجارها پیروی میکنند و وجدان افراد، بهترین ناظر رفتارشان به شمار میآید.

ب - نظارت های اجتماعی بیرونی (یا خارجی):

این نظارتها را نیز به دو قسم کنترلهای رسمی و غیررسمی، تقسیم کردهاند.

ب - ۱: کنترل رسمی:

کنترل اجتماعی رسمی، در برگیرنده تلاشها و اقداماتی است که جناح اقتدار، آن را در جهت مقابله با وقوع جرم و کج روی در جامعه، عهدهدار میشوند.

ب - ۲: کنترل غیررسمی:

گونههای از انواع مکانیسمهای کنترل اجتماعی است که در گسترهای به فراخنای تمامی جامعه، توسط هر یک از اعضای آن و در محیطهای متفاوتی مانند: خانواده، مدرسه، محل کار، اماکن مذهبی و... مجال تحقق مییابد
برخی از جامعه شناسان بر اهمیت توجه به مکانیسمهای داخلی (درونی) و خارجی (برونی) هر دو تاکید دارند

اما برخی دیگر چون دورکیم بر کنترل‌های خارجی و تاثیر آن بر پیشگیری از رفتار انحراف‌آمیز تاکید بیشتری دارند.

• نکته‌ها:

- ۱- منظور از بهره‌گیری از شیوه کنترل (در راستای برپایی ارزشها و ترک منکرها) کنترل خارجی است نه درونی، یعنی پدرها و مادرها به گونه‌هایی باید مراقب رفتار فرزندان خود، دوستان آنان و... باشند.
- ۲- جامعه‌شناسان، معمولاً کج روی و رفتار انحرافی را رفتارهایی که با هنجارها و ارزشهای اکثر اعضای یک گروه یا جامعه، هم‌نوا نیستند اطلاق میکنند. از سویی هنجارها و قواعد و اصول پذیرفته شده، توسط هر جامعه‌ای با جوامع دیگر متفاوت است، در نتیجه این هنجارها و ارزشها، به شکل امر نسبی در می‌آید که در جامعه‌های خوب است و مخالف با آن انحراف تلقی میشود و در جامعه‌های دیگر پذیرفته شده نیست و بنابر این مخالفت با آن، کج روی و انحراف به شمار نمی‌رود. لیکن این دیدگاه از نظر جامعه‌شناسان مطرح است اما در اسلام عزیز، ارزشها (معروفها) و ضد آن (منکرها) نسبی نیستند. در بینش اسلامی، هر کس مطیع خداوند و رسول (ص) او باشد (به دستورات و اوامر آنان عمل کند و از هر چه نهی کرده‌اند، پرهیز کند)، انسانی خوب و ارزشی است و هرکس نافرمانی آنان را در پیش گیرد (به حرامها و منکرها عمل کند و واجبها را ترک گوید)، انسانی بد، منحرف و عاصی است.
- ۱۲- شیوه «یادآوری نعمتها و مسئولیتها»: برخی از افراد، گاه بر اثر غفلت زدگی، در انجام واجبها، سستی می‌ورزند یا پاره‌ای از گناهان را مرتکب میشوند، اگر کسی به آنان یادآوری کند که انسان در برابر همه نعمتهایی که خداوند به او ارزانی داشته است مسئول است و مورد سؤال قرار خواهد گرفت و باید پاسخگو باشد، میتواند در اصلاح وی موثر واقع شود. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: از جمله پندهایی که لقمان به پسرش میداد این بود که: بدان فردا (روز قیامت) که در دادگاه الهی، حاضر شوی، از تو، در باره چهارچیز، سؤال خواهد شد؛ از جوانیت، که در چه چیزی آن را گذراندی و از عمرت، که در چه چیزی آن را فانی و سپری کردی و از مال و ثروت، که از کجا بدست آوردی؟ و از این که آن مال و ثروت را، در کجا خرج و هزینه کردی؟ (این پرسشها از تو خواهد شد) پس خود را برای آن و پاسخ دادن به پرسشها آماده کن. (۱۸)
- ۱۳- شیوه بیان پاداش: گاهی امر یا ناهی، با بیان پاداش عمل خوب، میتواند مخاطب را به انجام آن ترغیب کند و با بیان کیفر و عقاب عمل زشت و منکر او را از انجام یا تکرار آن باز دارد.

۱۴- شیوه تغافل: در برخی موارد، برای اصلاح رفتار ناشایست فرزند، دانش‌آموز، کارمند، دوست و...، بهترین واکنش، تغافل در برابر عمل مخاطب است. تغافل یعنی خود را به غفلت زدن، یعنی با این که آن حرف را شنیده‌ای آن را نشنیده بگیری و با این که آن کار را دیدی، آن را ندیده بگیری و به روی خود نیاوری! این واکنش شما سبب میشود تا فرد از رفتار خود شرم‌منده شود و در پی اصلاح رفتار خود و بازسازی آبروی از دست رفته‌اش برآید. در این موارد، برخورد صریح، گاه نتیجه عکس میدهد.

روانشناسان این شیوه و روش در اصلاح رفتار را، روش خاموشی (۱۹) مینامند و بر این باورند که اگر به رفتاری که شخص از خود بروز میدهد، توجه نکنیم و آن را مورد تقویت قرار ندهیم. آن رفتار خاموش شده و احتمال تکرار آن کم میشود.

• البته اگر بخواهیم از این روش برای کاهش رفتار نامطلوب استفاده کنیم، باید به نکاتی توجه کنیم:

- ۱- در درجه اول، این که رفتاری را که شخص انجام میدهد ضرر و زیان جسمانی و روانی نداشته باشد، اما اگر خطری فرد را تهدید مینماید، خاموشی جایز نیست.
- ۲- در جایی از خاموشی میتوان استفاده کرد و نتیجه گرفت که تقویت کننده‌های رفتار نامطلوب تحت کنترل درآیند.

۱۵- شیوه ارائه جایگزین: آنچه در حوزه امر به معروف و نهی از منکر و در محدود شناخت امر و ناهی، باید مورد کنکاش قرار داشته باشد، این است که گاه به فردی که عمل نادرستی انجام میدهد، پیشنهاد انجام کار دیگری بدهند، چرا که با راهنمایی کردن افراد برای شکوفایی استعدادهای خود در راه درست و تشویق آنان، میتوان از هدر رفتن استعداد و عمر آنان، در کارهایی که شایسته نیست، پیشگیری کرد.

۱۶- شیوه تخلیه روحی - روانی: برخی افراد که به رفتارهای نابهنجار گرایش دارند، از جامعه (خانه، مدرسه، محیط) طرد میشوند، جای برخورد‌های عاطفی و تربیت دینی، در زندگی این اشخاص، خالی است و یا حضور کم رنگی از آن را میتوان مشاهده کرد، معمولاً به این افراد و رفتار و گفتار آنان بی توجهی شده است، از این رو عقده‌های بزرگ، بر روح آنان سایه انداخته و رنجی ریشه‌دار با آنان، همراه گردیده است. چنین روح و روانی، در برابر مشکلات زندگی، بسیار شکننده میشود و یا احساس شکست میکند، از این رو به برخی اعمال نادرست روی می‌آورد، تا آن احساس تلخ را بپوشاند. لیکن وقت گذاشتن و گوش دادن به سخنان آنان، تا حد زیادی آنان را آرام میکند و به تعبیر خود آنان؛ با بیان کردن این درد دلها سبک میشوند و احساس راحتی

میکند. لذا لازم است امر و نهی در برابر این افراد با حلم و بردباری، زمینهای برای گفت و گو، فراهم سازد و با ایجاد اعتماد، به اصلاح رفتار آنان پردازد.

۱۷- شیوه استناد به الگوها: در هر جامعه‌ای، الگوهایی شایسته، در حوزه‌های مختلف وجود دارد. در موارد بسیاری، برای اصلاح رفتار افراد، استناد به این الگوها، سودمند و کارساز است. پروردگار متعال پیامبران(ص) و نیز پیشوایان معصوم(ع) را الگو و اسوه مردم قرار داده است و پس از آن، مومنان حقیقی و به کمال رسیده را، اسوه دیگران، معرفی مینماید. بنابر این بهتر آن است، انسان الگوهای رفتاری خود را، افرادی رشد یافته و انسانهای کامل قرار دهد که همه رفتار آنان بر مبنای آموزه‌های الهی بوده است، نه از سر هوا و هوس. به قول مولانا:

گریه او، خند او، نطق او نیست از وی، هست محض خلق هو

گریه و خنده و سخن گفتن چنین گویی از او نیست، بلکه همگی ریشه در اخلاق خداوند دارد.

۱۸- شیوه تنظیم روابط: در این شیوه گاهی با ایجاد ارتباط با مخاطب و یا کم و زیاد کردن ارتباط، هدف از امر به معروف و نهی از منکر میسر میگردد. تنظیم رابطه با مخاطب با توجه به شرایط - به سه گونه شکل میگیرد: الف - گسترش روابط:

این مرحله، از ایجاد ارتباط، آغاز و به مراحل توسعه و گسترش آن میرسد. امر و نهی، گاهی تشخیص می دهد در صورتی که با مخاطبان خود، طرح دوستی و رفاقت بریزد و این دوستی را تداوم و توسعه دهد، میتواند آنها را به انجام معروفها و ادا و یا از انجام منکرها باز دارد. این شیوه در بسیاری موارد، اثربخش میباشد. بزرگان بشریت، از این شیوه برای هدایت انسان و دعوت به توحید و خیر و نیکی، بهره فراوان گرفته‌اند. ب - محدودسازی روابط:

نوع دیگر از تنظیم رابطه، محدودسازی آن با مخاطب است، به این معنا که امر و نهی، با فرد یا افرادی دوستی یا پیوند خویشاوندی دارد و با آنان رفت و آمد میکند، برخی از آنان، نسبت به انجام معروفها سهلانگارند (مثلاً خمس مال خود را نمیدهند یا نماز نمیخوانند) و برخی دیگر پارهای از منکرها را انجام میدهند (مثلاً دروغ میگویند، عیبجویی میکنند و یا...)

اگر امر و نهی، احتمال دهد که امر و نهی زبانی او تاثیرگذار است، باید آنان را امر به معروف و نهی از منکر کند. اما اگر گفتن را کارساز نمیداند، ولی کم کردن رابطه را موثر میدانند، باید از این شیوه استفاده کند و رفت و آمدهای خود را با آنان کمتر نماید. این روش نیز در مخاطب، آثار تربیتی مثبتی بر جای مینهد و او را نسبت به خطاها و اشتباهات خود، آگاه میسازد.

ج - قطع رابطه:

گاهی، مخاطب یا مخاطبان، که معروف را ترک کرده‌اند و یا به منکر روی آورده‌اند. نه امر و نهی زبانی را پذیرا هستند و نه با توسعه روابط، به راه می‌آیند و نه از محدودسازی ارتباط هراسی به خود می‌دهند! در این صورت، اگر مسأله خانوادگی است، در درون خانه و اگر اجتماعی است، در جامعه باید با آن فرد یا افراد، روابط خود را قطع نمایند و به تعبیری دیگر، آنان را از برکت و نعمت نشست و برخاست و معاشرت و گفت و گو محروم سازند، تا به خود آیند و از خطای خود دست بردارند. «دور کن هم خویش و هم بیگانه را»

- **نکته:** اگر مسلمانان، نسبت به ارزشهای الهی و انسانی، احساس مسئولیت کنند، افراد بی بند و بار در اقلیت قرار خواهند گرفت و با روشهایی که گفته شد، میتوان به اصلاح آنان اقدام کرد.

آمران و ناهیان در قرآن

الف - خداوند متعال: منظور از عنوان آمران و ناهیان در قرآن، این است که بدانیم در قرآن، چه کسانی امر کننده به معروف یا نهی کننده از منکر شناخته شده‌اند.

فراخواندن انسانها به ارزشهای سعادت بخش و سازنده و هشدار دادن آنان نسبت به منکرها، نخستین بار توسط خداوند متعال انجام یافته است، شاید بتوان گفت اولین امر پروردگار در باره انسان، امر او به فرشتگان است که در برابر انسان سجده کنند و نخستین نهی خداوند، نهی او به آدم و حوا بوده است که مبادا ثمره یک درخت مشخص را بخورند.

از اوصاف و اسماء حسناى الهی امر و ناهی بودن او است. در دعای جوش کبیر که آن را فرشته وحی، جبرئیل از سوی خداوند آورده و به پیامبر اسلام (ص) تعلیم داده است، پروردگار متعال را به هزار و یک وصف و اسم می خوانیم و در بند (۹۰) از این دعا، او را به نام **یا آمر یا ناهی** صدا میزنیم.

ب - پیامبران:

پیامبران الهی، از آنجا که ماموریت داشتند، انسانها را به راه رشد و کمال و تقرب خداوند، راهنمایی و هدایت کنند، **خوبیها و ارزشها** که عامل رسیدن به کمال است را به آنان نشان داده و از **بدیها و زشتیها** که سبب سقوط انسان میشود، باز داشتند. بنابر این میتوان کار انبیاء را در یک جمله خلاصه کرد و آن این است که: آنان پیوسته، مردم را به معروف امر و از منکر نهی میکردند.

پرستش خدای یگانه، بزرگترین معروف و شرک بزرگترین منکر به شمار می‌رود. همه پیامبران نیز پس از آن، عمل به احکام و برنامه‌های الهی و آراسته شدن به فضیلتها و مکارم اخلاقی را به مردم سفارش نموده و از روی آوردن به کارهای زشت و ناپسند برحذرداشته‌اند.

ج - مؤمنان:

قرآن کریم، یکی از ویژگیهای مهم و برجسته افراد مؤمن به خداوند و برنامه‌های الهی را امر به معروف و نهی از منکر آنان میدانود در برخی از آیات به این وصف، آنان را مدح و ستایش میکند. در سوره آل عمران آیه ۱۱۴ آمده است: «مؤمنان از اهل کتاب) به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر میکنند و در انجام کارهای نیک شتاب میکنند و آنان از شایستگانند.

• **نکته:** خداوند متعال در قرآن، نماز را نیز نهی کننده (و بازدارنده) از زشتیها و پلیدیها دانسته و فرموده

است: «نماز را برپا دار، زیرا نماز (انسان را) از زشتیها و گناه باز میدارد.»

اگر نماز با خضوع و خشوع انجام شود، رابطه بندگی انسان و خداوند را تقویت میکند و عمق میبخشد. نماز یار خداست، هر گاه انسان یاد خداوند را در دل و جان خود داشته باشد، اندیشه گناه و معصیت از او رخت برمیندد.

آمران به منکر، ناهیان از معروف!

در نقطه مقابل پیامبران(ص) انسانهای مؤمن و امر کنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر، قرآن کریم از کسانی نام میبرد که مردم را به انجام منکرها فرا میخوانند و از انجام معروفها نهی میکنند! آنان عبارتند از: شیطان، کافران، منافقان و نفس اماره که در ذیل به بررسی ویژگیهای آنها میپردازیم:

الف - شیطان: واژه شیطان؛ در لغت به موجود متمرّد و سرکش از فرمان خداوند، گفته میشود، خواه انسان باشد یا جن یا دیگر جنبنندگان.(۲۰)

اما غالباً، منظور از شیطان، همان ابلیس است که از فرمان پروردگار، برای سجده کردن در برابر حضرت آدم سرکشی و عصیان کرد. ابلیس پس از رانده شدن از جایگاه فرشتگان، سوگند خورد که با تلاش تمام به اغواء و گمراه کردن انسانها همت گمارد. بنابر این اغواگری کار دائمی شیطان است و او اندیشه دیگری برای بشر در سر نمیپروراند لذا انسانها باید با تقویت نور ایمان و یاد خداوند و پایبندی به فرمان الهی، خود را در برابر تهاجم بی امان، پیوسته و همه جانبه شیطان، مصونیت بخشند.

• **نکتهها:**

۱- شیطان در اغوا و اضلال (گمراهی) انسان، از راههای گوناگون و روشهای متنوع بهره میگیرد مانند: وسوسه کردن، به کار بردن مکر و حيله، فریب دادن، ایجاد دشمنی و کینه، تزیین و خوب جلوه دادن کارهای ناپسند و...

۲- شیطان، در کار اغواگری و گمراه سازی، تنها نیست و یاران و همدستان فراوانی دارد. او سپاه ویژه‌ای را ساماندهی کرده است. این یاران شیطان، ممکن است از جنس خود شیطان (جن) باشند یا از جنس انسان.

۳- شیطان، تنها وسوسه‌گری میکند و چیزهای بد را خوب جلوه داده و کارهای خوب را غیر ضروری، بی فایده، مضر و بد نشان میدهد اما نمیتواند انسان را به اجبار وادار به کار زشت کند.

۴- قرآن کریم، مکر و کید شیطان را ضعیف دانسته است. اگر انسانهای مؤمن، دل و جان خود را با یاد خدا نورانی کنند، این نورانیت دژی مستحکم برای شخص مومن ایجاد میکند و او را از آسیبهای ظلمت و تاریکی و وسوسه‌های شیطانی، حفظ میکند.

۵- انسانها، غالباً به گناهان و لغزشهایی آلوده میگردند، در این صورت باید فوراً راه توبه در پیش گیرند و در این زمان به وسوسه شیطان فریفته نگردند. شیطان از دو گونه وسوسه برای گناهکار بهره میگیرد:

۱- وسوسه امید دادن: هنوز جوانی، فرصت زیادی داری، بعداً توبه میکنی و...

۲- وسوسه ناامید کردن: تو که حالا غرق گناه شده‌ای، چه کسی تو را قبول دارد؟ آب که از سرگذشت چه یک نی، چه صد نی و...

ب - کافران: واژه کفر به معنای پوشاندن، کتمان، الحاد، ناسپاسی و... آمده است و به کسانی که توحید، معاد و نبوت را نمیپذیرند، کافر گفته میشود، منظور از کافر در اینجا، مفهومی است که در برگزیده مشرک نیز هست. بنابر این ملحدان و منکران وجود خداوند متعال، مشرکان، اهل کتاب (یهود و نصاری و...) و منکران احکام ضروری دین اسلام، کافر شمرده میشوند.

قرآن کریم **سیمای کافران** را چنین ترسیم میکند که آنان: بدترین موجودات نزد خداوند و ملعون و دور از رحمت الهی هستند. آنان خیر و سود مسلمانان را نخواستند و رنج و بدبختی آنان را میخواهند، دوست دارند مسلمانان هم کافر باشند و میخواهند آنان، به نظام و خلق و خوی و سنتهای پیش از اسلام (جاهلیت) برگردند. کافران در باره مسلمانان از هیچ شر و فسادى دریغ نمیورزند.

آنان برای تضعیف مسلمانان هر کاری بتوانند میکنند: از اهانت و تحقیر تا استهزاء و تمسخر باورها و مقدسات مسلمانان و توطئه و طراحی قتل رهبران الهی و تاثیرگذار در حفظ اسلام و مسلمانان.

بنابر این کافران برای رسیدن به مقصود خویش، استراتژی تهاجم و شیخون فرهنگی به باورها و ارزشهای اسلامی و رواج فساد و منکرات را برگزیده‌اند و بر مبنای آن، طراحی و برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه‌های هنگفت انجام میشود و توسط رسانه‌های گروهی و تبلیغاتی و شبکه‌های فساد و عوامل نفوذی، مراحل عملیاتی و اجرایی کردن آن را فراهم می‌آورند.

در طول تاریخ و در عصر ما نیز، سه گروه مرکزی از کافران و دو گروه پیرامونی به شکل سازمان یافته، علیه مومنان فعال بوده و هستند؛ گروه‌های مرکزی عبارتند از: قدرتمندان و فرمانروایان - ثروتمندان - دانشمندان و گروه‌های پیرامونی شامل: نیروهای اجرایی و عوامل نفوذی (منافقان و...) میشوند. قدرت، ثروت و دانش کافران، مثلی سه ضلعی است که نقشه‌ها و توطئه‌ها را طراحی، برنامه‌ها را تولید و عملیاتی می‌سازند.

ج - منافقان: منافق به کسی گفته میشود که در دل به خداوند، معاد، رسالت پیامبر(ص) و احکام اسلام، اعتقاد ندارد، اما به ظاهر اسلام آورده و گاه ادعای مسلمانی او از دیگران بیشتر است. منافقان در راه و خط شیطان و در سمت و سوی اهداف کافران حرکت میکنند، محور و ملاک سیاستهای آنان شیطان است. امام علی(ع) در نهج البلاغه در باره اینان فرموده است: « آنان (منافقان) شیطان را معیار (درستی و نادرستی کار) خود گرفتند و شیطان نیز آنان را دام (یا شریک) خود قرار داد و در سینه‌های آنان تخم و جوجه نهاد!» (۲۱)

د - نفس اماره: نفس اماره انسان، او را به روی آوردن به گناهان و زشتیها امر میکند و چون پی در پی و همواره این کار را میکند آن را اماره (بسیار امر کننده) خوانده‌اند.

• نکته‌ها:

- ۱- در قرآن از گروهی از گمراهان یاد میشود که در روز قیامت میگویند: عامل گمراهی ما، بزرگان ما بودند ما بی چون و چرا از آنان پیروی کردیم، آنان نیز ما را به فساد و گناه (منکرات) کشاندند.
- ۲- در روز قیامت، برخی دیگر از گمراهان میگویند عامل گمراهی ما، دوستان ما بودند و با افسوس میگویند، کاش با فلانی دوست نبودیم!

بنابراین دو گروه یا دسته نیز با کشاندن انسان به کارهای زشت و ناپسند، او را به گمراهی و تباهی میکشانند. اما موضوع دوست یابی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و روان شناسان و جامعه شناسان بر تأثیرگذار بودن دوست انسان، در نوع رفتاری که از انسان بروز می یابد، تأکید دارند. آنان دوست ناباب را در پیدایش رفتار نابهنجار در انسان و گرایش به کج روی و انحراف از قوانین و مقررات و ارزش های جامعه، بسیار مؤثر می دانند.

پاورقی:

- (۱) تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۱۱
- (۲) تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۱،
- (۳) وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱۳
- (۴) روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳ تیر ۱۳۷۳
- (۵) سخنرانی معظم له در دانشگاه تهران ۷۷/۲/۲۲
- (۶) رک. به تحریر الوسیله امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۴۴۸
- (۷) سوره بقره، آیه ۴۴
- (۸) سوره طه، آیه ۴۵
- (۹) آل عمران، آیه ۱۳۴
- (۱۰) تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۶۲، مسأله ۱۳
- (۱۱) غررالحکم و درالکلم، ج ۴، ص ۱۳۰
- (۱۲) حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۰۶
- (۱۳) رک. به صحیفه نور
- (۱۴) تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۴۵
- (۱۵) تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۴۹
- (۱۶) سوره عبس، آیه ۱۷
- (۱۷) سوره مدثر، آیات ۴۹-۵۱
- (۱۸) الکافی، ج ۲، ص ۱۳۵
- (۱۹) Extinction
- (۲۰) تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۸

منبع: کتاب آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر، تألیف محمد اسحاق مسعودی، انتشارات پیام آزادی، به نشانی: خیابان جمهوری اسلامی، بین بهارستان و استقلال، کوچه شهید مظفری، بن بست یکم، پلاک ۲، تلفن: ۳۳۹۰۵۵۱۵ و ۳۳۹۳۶۲۹۴.